شماره 12

15 اوت 2018

نشریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

«پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران»

«برنامه نفت در برابر غذا

«Oil-for-Food Program

بهرام رحمانی

اخیر بحث‌هایی بین مقامات روسی و ایرانی در رابطه با «برنامه نفت در برابر غذا» در جریان بوده است. این بحث‌ها از یک‌سو، نشان‌دهنده بحران‌های عمیق و وسیع داخلی ایران است و از سوی دیگر، بازگشت تحریم‌های ایران توسط حاکمیت آمریکا است. به‌علاوه می‌توان پیش‌بینی کرد که متاسفانه دیر یا زود این برنامه در رابطه با ایران به‌اجرا درخواهد آمد. سئوال این است که آیا کابوس «نفت در برابر غذا» عراق درباره ایران نیز تکرار خواهد شد؟

برنامه نفت در برابر غذا؛ برنامه‌ای است که با صدور قطع‌نامه 986 شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ 14 آوریل 1995 و در پی تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، پس از حمله این کشور به کویت به اجرا درآمد و تا 21 نوامبر 2003، همزمان با اشغال نظامی عراق توسط آمریکا، ادامه داشت.

مطابق قطعنامه 986 شورای امنیت عراق می‌توانست محصولات نفتی خود را صادر کرده و از عواید آن برای بهره‌گیری در جهت نیازهای انسانی(مواد غذایی و دارویی) استفاده کند، عراق ابتدا این قطع‌نامه را در 15 آوریل 1995 رد کرد اما در نهایت در تاریخ 20 مه 1996، آن را پذیرفت.

همزمان با اعتراضات جدید مردمی در برخی شهرهای ایران در اعتراض به کلیت حکومت اسلامی ایران و اعتراض به افزایش قیمت مواد غذایی و کاهش شدید درآمدهای ارزی ایران و فساد نهادینه شده در تمام ساختاری حاکمیت اسلامی و تحریم‌های جدید، خطر بزرگ‌تری را متوجه مردم ایران کرده است.

در چنین شرایطی، اگر برنامه نفت در برابر غذا، علیه ایران آغاز شود چه باید کرد؟ جواب به این سئوال بسیار مهم و اساسی است؟ آن‌هم در حالی که فساد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تمام تار و پود حکومت اسلامی ایران را از بالا تا پایین فرا گرفته است آیا غذایی که در اختیار این حکومت قرار می‌گیرد چه‌قدر آن به سفره مردم خواهد رفت و چه‌قدر در بازار سیاه توسط باندهای حکومتی به پول تبدیل خواهد شد چه باید کرد؟

فرض کنیم اینک برنامه نفت در برابر غذا به ایران رسیده است؛ آن‌هم نه بر پایه قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و نه حتی توسط دولت‌های غربی، بلکه توسط خود حکومت اسلامی ایران با فشارهای هیات حاکمه آمریکا، اجرایی خواهد شد.

به‌گزارش خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه از وجود قراردادی با ایران سخن گفته که بر اساس آن، روزانه 100 هزار بشکه نفت در ازای غذا به روسیه داده خواهد شد.

وزیر انرژی روسیه گفته قرار است در ماه آینده محموله‌های نفت را دریافت کنند و تاکید کرده که جزئیات اسناد قانونی این قرارداد در مرحله نهایی شدن است.

آندره لوگانسکی نماینده تجاری روسیه در ایران نیز در این‌باره گفته مسکو قرار است تحت این برنامه 45 میلیارد دلار در سال صادرات به ایران داشته باشد.

اما امیر حسین زمانی‌نیا، معاون امور بین‌الملل و بازرگانی وزیر نفت، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، فروش نفت در برابر غذا به روسیه را معامله‌های

ادامه در ص 2

عشق عمومی – هواس تازه

احمد شاملو

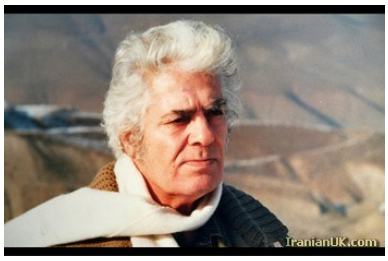

اشک رازیست
لبخند رازیست
عشق رازیست
اشک آن شب لبخند عشقم بود

قصه نیستم که بگویی
نغمه نیستم که بخوانی
صدا نیستم که بشنوی
یا چیزی چنان که ببینی
یا چیزی چنان که بدانی...
من درد مشترکم
مرا فریاد کن.

درخت با جنگل سخن می‌گوید
علف با صحرا
ستاره با کهکشان
و من با تو سخن می‌گویم

نامت را به‌من بگو
دستت را به‌من بده
حرفت را به‌من بگو
قلبت را به‌من بده

من ریشه‌های ترا دریافته‌ام
با لبانت برای همه لب‌ها سخن گفته‌ام
و دست‌هایت با دستان من آشناست

در خلوت روشن با تو گریسته‌ام
برای خاطر زندگان
و در گورستان تاریک با تو خوانده‌ام
زیباترین سرودها را
زیرا که مردگان این سال
عاشق‌ترین زندگان بودند

دستت را به‌من بده
دست‌های تو با من آشناست

ای دیر یافته با تو سخن می‌گویم
بسان ابر که با توفان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرنده که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می‌گوید
زیرا که من
ریشه‌های تو را دریافته‌ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست.

بر قرار باد خودمدیریتی دمکراتیک و شورایی در ایران!

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.
سردبیر: بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیالی، سارا محمدی، اهون چیاکو، جلال سبزواری، وحید محمدی، امین قضائی، شاهین محمدی، مراد عظیمی و بیژن رنجبر.

***

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

*بهرام رحمانی
امیل آدرس:
bahram.rehmani@gmail.com
شماره تلفن: 0046-707474336
*اهون چیاکو
امیل آدرس:
ehwen.chiyako@gmail.com
شماره تلفن: 0046-737245857
آمیل آدرس پلاتفرم:
pdjkh.i@gmail.com

***

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشیست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دمکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

«برنامه نفت در برابر غذا ...

فروش نفت در برابر غذا مربوط به زمان جنگ با عراق بوده است.»
او توضیح داد: البته ما قرارداد فروش نفت با روسیه داریم؛ یعنی شرکت ملی نفت(NIOC)، نفت را می‌فروشد و یک شرکت دولتی روس می‌خرد و پول را هم به یورو دریافت می‌کنیم و نصف پول را هم خدمات و تجهیزات دریافت می‌کنیم.
معاون وزیر نفت دولت اسلامی ایران، گفت: قرارداد(فروش نفت در ازای پول و خدمات) روی کاغذ تمام شده ولی هنوز عملیاتی نشده که امیدواریم هر چه زودتر عملیاتی شود و آن‌ها بتوانند نفت را برداشت کنند. این قرارداد به ما کمک می‌کند که روابط دو کشور نه فقط در نفت، بلکه در سایر زمینه‌ها هم مستحکم شده و به پیش‌برد اهداف مشترک کمک می‌کند.
این مقام مسئول در وزارت نفت، گفت: بر اساس این قرارداد ما 100 هزار بشکه نفت به روسیه به قیمت روز ارسال می‌کنیم و 50 درصد آن را کالا و تجهیزات دریافت می‌کنیم.
روزنامه ابتکار 26 تیر 1397 - 17 ژوئیه 2018، در گزارشی نوشت: اخیرا علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبری در امور بین‌الملل که البته این تنها یکی از مشاغل او از 37 شغل و سمت دیگرش است، به روسیه سفر کرده است. سفری که به‌قول او مهم‌ترین دستاورد ملاقات دوساعته‌اش با پوتین «سرمایه‌گذاری 50 میلیارد دلاری روسیه در ایران» بعد از تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه ایران است. بنابراین، باید منتظر بود و دید که ماحصل این مذاکره و جلسه دو ساعته؛ آن چیزی است که ولایتی از آن به‌عنوان سرمایه‌گذاری 50 میلیارد دلاری روسیه در ایران نام برده است یا ماجرا نفت در برابر «کالا» یا همان «نان» است که طرف روسی از آن نام برده است. البته نکته جالب دیگر این است که هنوز مشخص نشده ماجرا از چه قرار است؛ هدایت‌الله خادمی، عضو کمیسیون انرژی مجلس دهم، چنین موضع‌گیری کرده است:
«در شرایطی که به‌ما اجازه نمی‌دهند نفت بفروشیم و کالای مورد نیازمان را وارد کنیم، ممنون روسیه هم هستیم که به‌ما کالا می‌دهد تا از گرسنگی نمیریم»!
البته بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه در این‌باره گفته است: «تا آن‌جا که من به خاطر دارم این موضوع را یکی از مقامات روس مطرح کرده و من از طرف مقامات ایرانی چنین چیزی را نشنیدم...»
عبدالرضا هاشم‌زایی، نماینده تهران در مجلس هم با اعلام این نکته که «به‌دلیل تجربه و گذشته غیرقابل اعتماد روس‌ها به شدت با این برنامه مخالفم»، به روزنامه «ابتکار» گفت: «در طول تاریخ تجربه نشان داده که روس‌ها بدعهد هستند و هرگز به وعده‌هایشان عمل نمی‌کنند...» غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، نماینده رشت در مجلس هم در این‌باره با تاکید بر غیرقابل اعتماد بودن روس‌ها طی دوره‌های گذشته به «ابتکار» گفت: «هیچ وقت نه خاطرات خوشی از آمریکا داریم و نه روسیه. هر دوی آن‌ها سر و ته یک کرباسند و به‌دنبال منافع ملی خودشان هستند.»
جعفرزاده در این‌باره تاکید کرد: «طبق قانون قراردادها باید به‌تایید مجلس برسد؛ ولی با توجه به این‌که این قرارداد از طرف دولت تهیه نشده است و یک آدم پرمشغله با 37 شغل برای انجام این توافق به روسیه رفته است؛ مسئله عجیبی است که باید درباره این اقدام رمزگشایی شود.»
شایان ذکر است که با آغاز تحریم نفتی ایران توسط اروپا و کاهش واردات نفت از جانب تقریبا تمامی مشتریان سابق نفت ایران در اوایل سال 1391، حلقه محاصره ایران عملا کامل گشته بود. آن روزها با کاهش شدید صادرات نفتی ایران و دریافت مواد غذایی در برابر صادرات بخشی از ظرفیت تولید نفت کشور به چین و هند، برنامه «نفت در برابر غذا» عراق در مورد ایران تا حدودی تکرار شده بود.
برنامه نفت در برابر غذای عراق که از سال 1995 آغاز گردید به‌این کشور اجازه صادرات محدود نفت در ازای واردات غذا، دارو و باقی کالاهای اساسی را می‌داد به‌گونه‌ای که دولت صدام پولی برای ادامه برنامه نظامی خود نداشته باشد. برنامه نفت در برابر غذای عراق که هشت سال به‌طور انجامید منجر به‌مرگ بیش از 500 هزار عراقی گردید و اثرات فاجعه‌بار آن بر تجزیه و فرسایش یک‌پارچگی جامعه عراق گردید و شیرازه جامعه از هم پاشید.
اگرچه شورای امنیت با برنامه نفت در برابر غذا مانع خرید سلاح‌های جدید توسط دولت عراق شد اما این برنامه برای مردم عراق پیامدهای وخیمی داشت که از جمله می‌توان به تاثیرات منفی آن بر معیشت و زندگی مردم عراق اشاره کرد.
نکته عجیب این است که شورای امنیت در تمام دهه 1990 مانع خرید سلاح‌های جدید توسط دولت وقت عراق شد اما آمریکا که از اعضای دائم شورای امنیت است در سال 2003 به‌بهانه سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کرد. اما پس از اشغال عراق، هیچ سلاح کشتار جمعی را در عراق پیدا نکردند. در حقیقت وضعیت وخیم امروزی عراق در حوزه‌های مختلف، نتیجه سیاست‌های آمریکا در قبال عراق پس از سال 2003 است.
همچنین در این‌باره باید گفت، چنین دوره‌ای، عرصه مبادلات غیرشفاف و پر از فساد است. در زمان اجرای برنامه نفت در برابر غذا در عراق، سازمان‌های حسابرسی کشورهایی که نفت از عراق دریافت می‌کردند و به‌جای آن غذا در اختیار آن کشور می‌گذاشتند، در گزارش‌های متعدد، از موارد فساد اقتصادی توسط بنگاه‌های اقتصادی درگیر این معاملات خبر می‌دادند.
هم اینک برخی شرکت‌ها، صنایع نفت ایران را ترک کرده‌اند و یا به‌دلیل تحریم‌ها و فشارهای آمریکا نفت ایران را نمی‌خرند. حتی آن‌هایی هم بخواهند با ایران معامله کنند در پرداخت پول نفت ایران به‌دلیل تحریم بانک مرکزی، دچار مشکل هستند.
این ریسک را هم باید مدنظر داشت که اگر غذای کافی در مقابل پول نفت به کشور داده نشود، در

ادامه در ص 7

ریشه‌های اسلامی فاجعه نسل‌کشی در شنگال

بیژن رنجبر

فاجعه کشتار جمعی در شنگال، نماد یک تراژدی هولناک انسانی و در همان حال مظهری از جهاد اسلام‌گرایان مومن به سیره و سنت محمد و دستورات قرآن علیه «کفر» و جان و هستی غیرمسلمانان در عصر کنونی است.

برای آن‌که به درک عمیق ریشه‌های اسلامی و بستر ایدئولوژیک فاجعه کشتار شنگال جدا از تحلیل و بررسی ابعاد صرفا سیاسی آن دست بیابیم، لزوما بایستی به‌درک سیره و سنت پیامبر اسلام یعنی به تاریخ زندگی و روش و سلوک سیاسی محمد و صحابه‌اش در صدر اسلام و در قرن اول هجری از یک‌سو و آیات مربوط به جهاد علیه کفار، مصرح در قرآن از دیگر سو نائل آئیم. جز این، درک ما از فاجعه کشتار جمعی در شنگال، ناقص باقی خواهد ماند و ذهن ما به‌عمق هولناکی آن راه پیدا نخواهد کرد و بدین‌سان نهایتا آن را در ردیف کشتارهای دسته‌جمعی رایج در عصر توحش سرمایه‌داری از نوع قومی، نژادی و یا سیاسی ارزیابی کرده و ابعاد مذهبی و ایدئولوژیک آن مورد غفلت قرار می‌گیرد.

سوم ماه اوت 2018 میلادی، مصادف با چهارمین سالگرد نسل‌کشی ایزدی‌های ساکن در منطقه شنگال واقع در کردستان عراق بود. چهار سال قبل در چنان روزی با حمله گروهی از مجاهدان اسلام و پیروان حقیقی سیره، سنت و زندگی محمد و همانا مجریان راستین آیات قرآن موسوم به‌گروه دولت اسلامی شام و عراق «داعش» به شهر شنگال، تنها در فاصله‌ای کوتاه صدها مرد ایزدی به‌دلیل عدم اعتقاد به اسلام و الله قتل‌عام و هزاران زن و کودک خانواده‌های آنان به‌اسارت و بردگی گرفته شدند و خانه‌ها و اموال‌شان غارت گردید.

در ادامه روند تکوین فاجعه، بسیاری از زنان ایزدی در بازارهای برده‌فروشی که به‌سبک و سیاق بازار برده‌فروشی صدر اسلام در مدینه، توسط پیروان حال حاضر سیره و سنت محمد و خلفای راشدین در شهرهای دور و نزدیک چون موصل و تلعفر برپا شده بود، به‌عنوان برده و کنیز به‌فروش رسیدند. همچنین حدود پانصد هزار تن دیگر از خانه و کاشانه خود آواره اردوگاه‌هایی در سه کشور عراق، سوریه و ترکیه شدند.

به‌گواهی شاهدان عینی: «داعش که آمد و شهر را تصرف کرد، روی همه خانه‌ها نوشت «بیت ایزدی»، «بیت سنی»، «بیت شیعه»، «بیت مسیحی»؛ تا بدین صورت با شناسایی خانه‌ها، آن‌هایی که باید تصرف می‌شد و آن‌هایی که باید تخریب می‌شد و آن‌هایی که مورد غضب قرار می‌گرفت، مشخص شوند.»

و در ادامه: «وقتی داعش آمد آن‌هایی که توانستند به‌سمت کوه شنگال فرار کردند و خود را به‌بلندی‌ها رساندند و آن‌هایی که نتوانستند در محاصره داعش افتادند. مردهای جوان و پیرمردان و پیرزنان کشته و زنان و دختران جوان و کودکان به اسارت گرفته شدند.»

چنان‌چه به‌تاریخ صدر اسلام و تحولات مربوط به‌لشکرکشی‌های سپاه اسلام به‌ویژه در قرن نخست هجری مراجعه کنیم، خواهیم دید که دقیقا همان روش و سلوکی که در صدر اسلام و به‌هنگام لشکرکشی‌های محمد و بعدها صحابه او به‌سرزمین‌ها و «بلاد کفر» «جهت رفع» «کفر و فتنه» یعنی کشتار غیرمسلمانان «کافر و مشرک» در متصرفات اسلامی رخ داد، عینا در شنگال نیز اتفاق افتاد.

بدین‌سان تعقیب و اسارت «کافران و مشرکان» در شنگال، جداسازی مردان و پسران نوجوان و کشتار بی‌درنگ آنان، به‌اسارت گرفتن زنان و کودکان با هدف فروش، بردگی جنسی و تجاوز به‌آنان و در نهایت غارت خانه‌ها و تقسیم اموال و زمین‌های متعلق به‌کافران و مشرکان در میان سپاهیان پیروزمند اسلام که مردم کافر را برای هزارمین بار در تاریخ اسلام چون گذشته اما این‌بار در شنگال به‌زانو درافکنده و بدین طریق پیام رستگاری! اسلام را از طریق شمشیر و خون و کشتار برای ایشان به‌ارمغان آورده بودند، یک‌بار دیگر به تمام قامت، تکرار دوباره تراژدی هولناک جهاد، کشتار و اسارت در تاریخ اسلام بود.

اجازه بدهید از زاویه‌ای دیگر نیز به‌فاجعه بنگریم، گروهی نسل‌کشی ایزدی‌ها در چهار سال قبل در شنگال را یک تراژدی و فاجعه انسانی منتج از عوامل صرفا سیاسی و تغییر معادلات در سطح روابط قدرت در منطقه می‌داند و یا لااقل سهم فاکتورهای سیاسی را آن‌چنان عمده می‌سازند که از ریشه‌های اسلامی و انگیزه‌های ایدئولوژیک بسترساز اصلی کشتار در شنگال غفلت می‌ورزند و لیکن گروهی دیگر کشتار غیرمسلمانان و کافران و به‌اسارت گرفتن زنان و فرزندان آنان در شنگال را بخشی از تاریخ جهاد اسلام‌گرایان حقیقی و پیروان سیره و سنت اصیل محمد و برحسب دستورات صریح قرآن و ادامه‌دهندگان عمل تاریخی محمد در امتداد گسترش اسلام به اقصی نقاط جهان از ره‌گذر جنگ علیه کفر و کشتار و نابودی کافران می‌پندارند.

به‌گمان من، نسل‌کشی در شنگال به‌مثابه یک تراژدی هولناک انسانی بایستی در وهله نخست به‌عنوان نتیجه و محصول طبیعی جهاد اسلام‌گرایان مومن به قرآن و سیره و سنت محمد علیه غیرمسلمانان با هدف ریشه‌کن کردن «کفر و فتنه از گستره جهان» ارزیابی گردد. زیرا در نگاه اسلام‌گرایان، جهان و انسان‌ها از بدو ظهور اسلام در شبه‌جزیره عرب به‌دو بخش اسلام و کفر، حق و باطل، دو بخش مسلمان و کافر، مومن و حربی و مهدورالدم تقسیم‌بندی شده و این معیار، انگیزه اصلی مذهبی و اساس توجیه ایدئولوژیک کلیه کشتارها و قتل‌عام‌های تاریخ اسلام نظیر نسل‌کشی مردم غیرمسلمان، «کافر، مشرک و مهدورالدم» در شنگال است.

بر این اساس وجدان‌های بیدار و آگاه به تاریخ اسلام و سیره و سنت محمد به‌روشنی می‌دانند بی‌تردید اسلام‌گرایانی که به شنگال حمله کردند برحسب این اصل اسلامی و قرآنی که «جهاد با کافران تا حاکمیت اسلام بر گستره جهان واجب است» و نیز مطابق با آیه ذیل و در راستای اجرای وظایف اسلامی و شرعی خود بر طبق سیره محمد و دستور مستقیم و نص صریح قرآن اقدام به جهاد و کشتار در راه الله علیه مردم بی‌دفاع شنگال نمودند:

«"وقتلوهم حتی لاتکون فتنة ویکون الدین لله..." و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد.» سوره بقره، آیه 193

مقصود از این آیه به روشنی یعنی آن‌که اسلام بایستی عالمگیر گردد و اثری از غیرمسلمانان و کافران باقی نماند.

دلیل این‌که چرا اسلام‌گرایان مومن به‌سیره و سنت محمد و نیز مجریان حقیقی آیات و دستورات قرآن، شنگال را برای جهاد و مقابله با کفر انتخاب نمودند، جدا از دلایل نظامی و ژئوپلتیک آن، آیه ذیل علت را روشن می‌سازد. در حقیقت علت این بود که جامعه ای مجتمع از «کفار و مشرکان» در شنگال در نزدیکی و در بیخ گوش اسلام‌گرایان وجود داشت:

«"یاایها الذین ءامنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة..." ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که به‌شما نزدیکترند، پیکار کنید(و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند...» سوره توبه، آیه 123

چنان‌چه مشاهده می‌شود به‌همین دلیل روشن ایدئولوژیک و اسلامی، شنگال در اولویت مجاهدان راه الله برای شروع روند پاک‌سازی کفر در منطقه قرار گرفت، چون این گروه از کافران و مشرکان نزدیک‌تر و در مقایسه با سایر کفار، بیش‌تر در دسترس پیروان راستین محمد و قرآن و حوزه عملیاتی جهاد اسلامی آنان علیه کفر بودند.

قتل عام مردان و پسران نو رسیده در شنگال نیز در راستای تبعیت از سیره و کردار تاریخی محمد و نیز عمل به آیات مکرر قرآن با تاکید بر کشتار کافران و مشرکان صورت پذیرفت. در همین ارتباط ابتدا نگاهی به‌چند آیه قرآن داشته باشیم:

«"...فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوالهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ..." مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به‌محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به‌کمین آنان بنشینید...» سوره توبه، آیه 5

«"فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا..." پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کردید گردن‌ها را بزنید تا هنگامی که آنان را از پای درآوردید...» سوره محمد، آیه 4

جالب است بدانیم که الله اسلام‌گرایان «در بیش از 50 آیه از قرآن تاکید می‌کند که از من بترسید. همچنین در قرآن لغت هلاک کردن 73 بار در بیش از 60 آیه به‌اشکال مختلف آن به‌کار رفته و نیز لغت عذاب به‌معنی مجازات و شکنجه، 365 مرتبه در مجموع بیش از 300 آیه در اشکال مختلف آن استفاده شده است. در حقیقت کشتن انسان از مکررترین و مهم‌ترین موضوعات مورد اشاره در قرآن می‌باشد.»

از طرف دیگر، سیره و سنت محمد در برخورد با غیرمسلمانان نیز گواه این امر است که پیروان راستین او در کسوت داعش در عصر ما، در پیمودن راه و مسیر «شرع مقدس» و قوانین آن خطا نرفته‌اند و آنان از همان سنت و راه و رسمی در راستای کشتار و نسل‌کشی غیرمسلمانان پیروی کردند که توسط پیامبرشان در صدر اسلام پایه‌گذاری شد و سپس توسط اصحاب او به‌ویژه در قرن اول هجری با شدت تمام در قبال ساکنان «بلاد کفر» دنبال گردید.

ادامه در ص 4

ریشه‌های اسلامی فاجعه نسل‌کشی ...

بنی‌قریظه در سال پنجم هجری بودند.
تمام مورخین معتبر و مشهور تاریخ اسلام نظیر ابن هشام، ابن اسحاق، واقدی، ابن اثیر و طبری به‌طور دقیق واقعه هولناک کشتار عظیم کلیه مردان و پسران نوبالغ طایفه بنی‌قریظه و به‌اسارت بردن زنان و کودکان و غارت خانه و کاشانه آنان را به تصویر کشیده‌اند.
ابن اسحاق قدیمی‌ترین مآخذ است که با دقت تمام جزئیات این کشتار هولناک نظیر قتل‌عام در شنگال را شرح می‌دهد. طبق شرح مذکور، محمد به‌بهانه حمایت سران طایفه بنی‌قریظه از مشرکان مکه آن‌ها را چند هفته محاصره نمود و پس از آن‌که تسلیم شدند با حکمیت «سعد ابن معاذ» از قبیله اوست که قبلا و بی‌آن‌که یهودیان اطلاع داشته باشند، مسلمان شده بود، تمام مردان و پسران نوبالغ بنی‌قریظه یعنی بالغ بر 700 تا 900 نفر را گردن زد و زنان، دختران و پسران نابالغ آنان را به‌بردگی گرفت و تمام خانه‌ها، اموال و زمین‌های آن‌ها را غصب نمود. قرآن با تائید این جنایت هولناک تصریح می‌کند:
«"وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مِنْ صَياصِيهِمْ وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقاً وَ أَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيارَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطَؤُها وَ كانَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرا." و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] همنشینی کرده بودند، از دژهایشان به‌زیر آورد و در دل‌هایشان هراس افکند: گروهی را می‌کشتید و گروهی را اسیر می‌کردید و زمین‌شان و خانه‌ها و اموالشان و سرزمینی را که در آن پا ننهاده بودید به شما میراث داد، و خدا بر هر چیزی تواناست.»
سوره احزاب، آیه‌های 26 و 27
جالب آن‌که از این میان یک پنجم غنائم به پیامبر و فرستاده الله تعلق می‌گرفت. علاوه بر این، او در شب همان روز قتل‌عام مردان طایفه بنی‌قریظه با زنی اسیر به‌نام ریحانه که در همان روز در برابر چشمانش، پدر، عموها، برادران و شوهرش توسط علی و زبیر و سربازان اسلام گردن زده شدند، خلوت کرد. یعنی پیام‌آور دوستی و رحمانیت! در همان حال که شوهر و تمام مردان خانواده آن زن را کشته بود در شب همان روز نیز به‌خود وی رحم نکرد. این تنها نمونه‌ای است روشن دال بر چگونگی و ماهیت سیره، سنت، سلوک و شخصیت نبی و پیام‌آور الله خدای اسلام‌گرایان.
در همین ارتباط، توحش و پلیدی چنان از ره‌گذر توجیه ایدئولوژیک و شرعی به اوج می‌رسد که نص صریح قرآن مجوز تجاوز به‌زنان و دختران اسیری که پدران، برادران و شوهران آنان به‌جرم کافر بودن به‌دست اسلام‌گرایان کشتار شده‌اند را به‌وضوح صادر می‌کند:
«"و المحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم..." زنان شوهردار بر شما حرام هستند مگر آن‌ها را که از راه اسارت مالک شده‌اید...» سوره نساء، آیه 24

به‌عبارت دیگر، فاجعه کشتار ایزدی‌ها در شنگال در حقیقت در امتداد همان روش و بر متن سلوکی صورت پذیرفت که بر اساس سنت جاافتاده وحشی‌گری و کشتار علیه غیرمسلمانان توسط محمد پایه‌ریزی گردید و اولین قربانیان اصلی آن در عصر خود وی، مردان، نوجوانان، زنان و کودکان طایفه

حال با این وصف در عصر حاضر چه انتظاری می‌توان از پیروان محمد و مومنان به سیره و سنت او خواه داعش سنی و خواه داعش شیعی جز توحش، شرارت، تجاوز، کشتار و نیستی داشت. آیا با اوصافی که در فوق ذکر گردید کشتار سبعانه مردان و جوانان ایزدی در شنگال و به‌بردگی گرفتن زنان و دختران و تجاوز به‌آنان توسط اسلام‌گرایان موجب حیرت است؟
خیر حیرت‌انگیز نیست، زیرا ما آگاهیم که چنین شرارت و توحشی، ذاتی و برخاسته از ماهیت پلید اسلام‌گرایان، کتاب و آنین و سیره و سنت خونبار و متجاوز پیامبر ایشان است. آنچه از این بابت در اعماق وجود هر انسان شریف، آگاه و مطلع از تاریخ اسلام و ماهیت ضدبشری قرآن و سیره و سنت درنده‌خوی پیامبر آن پدید می‌آید، تنها حس نفرت است و خشم.
همه این اتفاقات که اجزا و ابعاد فاجعه هولناک شنگال شامل قتل عام مردان و نوجوانان، اسارت زنان و کودکان و رواج برده داری در قرن 21 میلادی را به سبک و سیاق ضدانسانی صدر اسلام و عصر محمد و دوره حضور او در مدینه در خاطره‌ها و حافظه تاریخ تداعی می‌کند، به‌دست مجاهدان اسلام و پیروان حقیقی قرآن و محمد یعنی گروه داعش در انطباق کامل با دستورات مستقیم اسلامی و قرآنی و هماهنگ با سیره و زندگی پیامبر اسلام به‌مرحله اجراء درآمد.
بنابراین هر آن کس که در این امر تشکیک ورزد و بروز فاجعه نسل‌کشی مردم بی‌دفاع ایزدی و به‌اسارت گرفتن زنان و فرزندان‌شان و سپس فروش آنان در بازارهای برده‌فروشی با هدف بردگی جنسی و تجاوز به‌آنان را از ریشه‌های اسلامی و قرآنی آن و پیوندش با سیره و سنت ضدبشری محمد جدا سازد، بی‌تردید فریبکاری بیش نیست، زیرا همانا خاک در چشم حقیقت تاریخ می‌پاشد و چنین جنایت هولناکی را به‌نفع تکرار آن در تاریخ آینده به‌دست اسلام‌گرایان توجیه می‌کند و بدین ترتیب افکار عمومی را از توجه به‌انگیزه‌های ایمانی، ریشه‌های اسلامی و زمینه‌های ایدئولوژیک سبب‌ساز و آماده‌کننده بستر چنین جنایت‌های هولناکی که تاکنون هزاران بار توسط مجاهدان حقیقی اسلام در طول تاریخ حیات این آنین متوحش و ضدبشری خلق شده، منحرف می‌سازد.

***

اعتصاب غذای زینب جلالیان زندانی سیاسی و چند زن دیگر

زینب جلالیان، تنها زن زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، به‌همراه 9 زن دیگر که به‌اتهام جرائم عادی در زندان خوی دوره محکومیت خود را سپری می‌کنند، دست به‌اعتصاب غذا زدند.
به‌گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، این زنان زندانی از روز دوشنبه هفتم مرداد ماه در اعتراض به‌عدم اجازه برای استفاده از امکانات زندان و محرومیت از ملاقات‌های هفتگی اعتصاب غذای خود را آغاز کرده‌اند.
زینب جلالیان که یازدهمین سال حبس خود را در زندان خوی می‌گذراند، اهل شهرستان ماکو است و در اسفندماه سال 86 و در شهر کرمانشاه بازداشت شد. دستگاه قضایی ایران زینب را به‌اتهام محاربه و عضویت در حزب حیات آزاد کردستان(پژاک) ابتدا به اعدام و سپس در دادگاه تجدیدنظر به حبس ابد محکوم کرد.
عفو بین‌الملل تاکنون در دو بیانیه جداگانه خواستار رسیدگی به‌وضعیت جسمی و درمان زینب جلالیان شده است که از سوی مسئولان مربوطه نادیده گرفته شده است.

عفو بین‌الملل: نیروهای ترکیه مسئول بربرمنشی در عفرین هستند

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که نیروهای وابسته به ترکیه بیرحمانه‌ترین جنایت‌ها را در شهر کردنشین عفرین در شمال سوریه مرتکب شده‌اند. این سازمان حقوق بشری دولت ترکیه را برای این تجاوزات مسئول می‌شناسد.
سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید تحقیقات نشان می‌دهد که نیروهای شبه‌نظامی وابسته به دولت ترکیه بدترین تجاوزات را در عفرین انجام داده‌اند، شامل: چپاول اموال مردم، بازداشت‌های خودسرانه، ربودن و شکنجه افراد و...
بیشتر خشونت‌ها به دست افراد مسلح سوری صورت گرفته است که گوش به فرمان دولت ترکیه بوده و از سوی نظامیان ترکیه تجهیز شده‌اند. برخی از افراد شبه‌نظامی، با تصرف مدارس، از ادامه تحصیل هزاران کودک جلوگیری کرده‌اند.
به‌نظر همکاران سازمان امنستی(عفو بین‌الملل)، این کشور ترکیه است که این ناحیه از شمال سوریه را به تصرف خود در آورده و برای امنیت و نظم این منطقه مسئولیت دارد، اما به هیچوجه به وظیفه خود عمل نمی‌کند.

بی‌تفاوتی ترکیه در قبال جنایات عفرین

در ژانویه ۲۰۱۸ نیروهای تحت حمایت ترکیه به مواضع کردهای عفرین حمله کردند و توانستند این منطقه را تصرف کنند. ده ها هزار نفر از مردم منطقه فراری و آواره شدند، که بسیاری از آن‌ها از اقلیت‌های مذهبی بودند.
هدف اصلی ترکیه مبارزه با رزمندگان چپ‌گرای «یگان‌های مدافع خلق» است که آن‌ها را با حزب کارگران کردستان(پ‌ک‌ک) متحد می‌داند.
بسیاری از عملیات جنایتکارانه در عفرین و پیرامون آن توسط شبه‌نظامیان سوری صورت می‌گیرد، اما به نظر «عفو بین‌الملل»، ترکیه که حاکم اصلی این منطقه است، نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و با بی‌تفاوتی نظاره‌گر این جنایت‌ها باشد.
ترکیه مصمم است در منطقه بماند و هزاران فراری و آواره را در آنجا اسکان داده است.
سازمان حقوق بشر «عفو بین‌الملل» جنایت‌ها و تخلفات فراوانی را به دولت ترکیه گزارش کرده، اما مقام‌های مسئول ترکیه تا کنون درباره موارد متعدد نقض حقوق بشر در عفرین واکنشی نشان نداده‌اند.

از تجربه کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه

برای متحول کردن ایران بیاموزیم!

مراد عظیمی

کردستان سوریه یا روژآوا در شمال سوریه واقع شده است. در 19 جولای 2012، کردها «خودمدیریتی دموکراتیک » (خ.م.د) در سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین را اعلام نمودند، و تحول کردستان سوریه بر اساس شرکت مستقیم مردم در اداره جامعه را به‌مورد اجرا گذشتند.

الگو و ساختارهای «خ.م.د» براساس اندیشه‌ها و استرتژی عبداله اوجالان:

1- قانون اساسی مدرنیته سرمایه‌داری رفتار دولت را تنظیم و تعریف می کند. اما، دولت سرمایه‌داری نهادی بالای جامعه است. هیچ دولتی بی‌طرف و یا حافظ منافع کل جامعه نیست. دولت ابزار سلطه سرمایه‌داری علیه جامعه است. دولت اقتدار و سلطه‌اش برجامعه را از طریق اجماع، یا دموکراسی از بالا، و یا سرکوب تامین می‌کند.

برعکس مدرنیته سرمایه‌داری، روژآوا قرار داد اجتماعی تدوین کرده است. قرارداد اجتماعی رابطه بین آحاد مردم و جامعه را تعریف می‌کند. جامعه روژآوا بر ساختار دموکراسی مستقیم یا از پائین و در هیات کمون‌ها و شوراها پا گرفته است.

2- دولت. آنتونی گرامشی منشاء اقتدار دولت را از سلطه‌اش بر جامعه دریافت می‌کند. او جامعه را مکان نبرد موقعیت برای استقرار موازنه قدرت می‌بینند. در «نبرد موقعیت» تحمیل هر درجه‌ای از عقب‌نشینی به دولت موازنه قدرت جدیدی در جامعه پدیدار می‌کند. بدین ترتیب، در فرایند جنگ موقعیت جامعه از شر دولت خلاص می‌شود.

2-1- مارکسیسم سرمایه یا کاپیتال را نقد می‌کند و نه مدرنیته سرمایه‌داری را. در نتیجه در درون مدرنیته سرمایه‌داری راهکارهایی برای نفی و رهائی از دولت ارائه نمی‌دهد. با تساهل به‌وجود مدرنیته سرمایه، که از بدو پیدایی‌اش بر غارت و دزدی و جنگ و نابرابری سامان یافته است، مارکسیسم خواهان افول دولت در پس از انقلاب کارگری است. مارکسیسم دولت سرمایه داری را با فلسفه پوزیتویستی پیشرفته ارزیابی می‌کند، و معتقد است مدرنیته سرمایه‌داری با رشد نیروهای مولده زمینه اقتصادی جامعه پسا سرمایه‌داری را فراهم می‌کند.

2-2 آنارشیسم وجود دولت را در کل نفی می‌کند. گرچه، این رویکرد نقطه قوت آنارشیسم نسبت به دیدگاه مارکسیسم را برجسته می‌کند، ولی، آنارشیسم هم به‌لحاظ کوتاهی در سازمان‌یابی جامعه و هم از فقدان نقشه‌عمل برای تحقق نفی دولت رنج می‌برد.

ماری بوکچین، کمبودهای هر دو از گرایشات مارکسیستی و آنارشیستی را برطرف می‌کند، و خواهان سامان دادن نهادهای مستقیم اراده مردم در شهرداری‌ها(کمون‌ها از من) می‌شود. جوهر نقد ماری بوکچین به هردو از گرایش در این گفته‌اش چنین فرموله شده است:

«احزابی که در اشکال سازمان‌های مردمی اجین نشده باشند، در معنای کلاسیک سیاسی نیستند. در حقیقت، این احزاب هستی‌هایی بوروکراتیک و طرفدار ضد سیاست‌های مشارکتی و شرکت شهروندان در سیاست هستند. در واقع، واحد واقعی زندگی سیاسی اداره شهرداری‌هاست، جایی که کوچک‌تر است همه جمعیت را شامل می‌شود و یا بنا به‌وسعت‌اش به مدیریت‌های فرعی به‌خصوص محلات تقسیم می‌شود.»

«هر هستی اقتصادی جزئی از یک چهارچوب نهادی آزاد... بخشی از کل بزرگ‌تر را شامل می‌شود، که توسط شهروندان در مجمع شهروندی، نه به‌عنوان کارگر، کشاورز و یا هر گروه ویژه علاقمند به حرفه معینی، بلکه شهروندان کنترل می‌شود.» (ماری بوکچین)

به تاسی از ماری بوکچین، اوجالان الگوی کنفدرالیسم دموکراتیک، متشکل از سه رکن: یکم دموکراسی مستقیم یا از پائین، دوم حفظ محیط زیست، و سوم رهایی زنان را برای معضل خاورمیانه ارائه می‌دهد. عبداله اوجالان، بیان می‌کند که دولت را نباید تسخیر کرد، بلکه همان آن با بنیاد نهادهای مستقیم مردم وجود دولت را در فرایند انقلاب مداوم نفی کرد.

2-3- کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه (روژآوا) با اتکا بر اندیشه‌های عبداله اوجالان سیستم اداره خودمدیریتی بر پایه کمون‌ها، شوراها و نهادهای گوناگون مردمی بنیاد شده است.

3- رهایی زنان شرط رهایی جامعه. کل جوامع مدرنیته سرمایه‌داری جهان با تفاوت‌هایی کم و بیش سیستم‌های پدرسالاری هستند. نیروهای حفاظت خلقی زنان و مردان در «ک د ش س» با اجرای هدفمند تدوین قوانین برابری جنسی و ایجاد فرصت‌ها و نهادهای متنوع اجتماعی زنان، برای اولین بار در تاریخ مدرنیته سرمایه‌داری برابری جنسی را هم در قوانین حمایت از زنان و هم در اقدامات عملی تحقق بخشیده است. ازدواج زیر سن 18 و چند همسری غیرقانونی شده است. خشونت علیه زنان پیگرد قانونی شده است. در تمام نهادهای جامعه یک نفر زن و یک نفر مرد به‌عنوان هماهنگ‌کننده و یا رییس انتخاب می‌شوند. در تمام موسسات حداقل 40 درصد شرکت‌کنندگان به زنان تخصیص داده شده است. شرکت زنان در کمون‌های مختلط زنان و مردان، تشکیل کمون‌های مختص زنان، ایجاد تعاونی‌های زنان، آکادمی‌های گوناگون زنان، سامان دادن رادیوی زنان، تلویزیون و روزنامه زنان، همگی با پرسنل زنان، تشکیل نیروهای حفاظت خلقی مستقل زنان ... آزادی زنان ک د ش س را تحقق بخشیده است.

4- مسئله ملی. در سوریه تبارهای کرد، عرب، ارمنی، آسوری، سیریاک، آرامی، چالدین، ایزدی، علوی، دروزی، ترکمن و چچن و ایدئولوژی‌های مذاهب سنی، علوی، اسماعلیه، ایزدی، مسیحی کلیسای شرق زندگی می‌کنند. برای حل تنش‌های اجتماعی به‌واسطه وجود تنوع تباری، مذهبی و فرهنگی نیاز به‌عدم تمرکز قدرت و یا به‌رسمیت شناختن خودمدیریتی‌های محلی دارد. در ک د ش س با پذیرش اصل دموکراسی و احترام به‌تنوع تباری، مذهبی و فرهنگی و زبانی مردم با شرکت در کمون‌ها و شوراها جامعه را اداره می‌کنند.

رضا شاه با تشکیل دولت ملت ایران، بانی شوم مسئله ملی در ایران گردید. دولت ملت در ایران با نفی تنوع تباری، ایدئولوژی مذهبی، فرهنگی و زبانی و با توسل به ابزار سرکوب تلاش نموده‌اند به‌اصطلاح یک ملت همگون با تبار فارس ایرانی) و ایدئولوژی مذهب شیعه سامان دهند. این سیاست شوینیستی استخوان لای زخم بی‌اغراق به سرطانی تبدیل شده است و متاسفانه به‌درجاتی موجب تفرقه در همبستگی مردم و طبقات کارگر جوامع متنوع ایران گردیده است. یکی از اهداف اعلام پلاتفرم دموکراتیک خلق‌های ایران، حل معضل ملی است. این نهاد، براین باور است که مردمان فارس، آذری، کردها، اعراب خوزستان، ترکمن‌ها، کردهای خراسان، ترکمن‌های بجنورد و ترکمن‌صحرا و مردم بلوچ با پذیرش اصل دموکراسی و با به‌رسمیت شناختن برابری تباری، ایدئولوژی مذهبی، فرهنگی و برابری زبانی اداره خود مدیریتی دموکراتیک مناطق‌شان را برپا کنند.

5- کمون و شورا به‌مثابه نهادهای اداره دموکراتیک جامعه. درک د ش س کمون واحد پایه‌ای شوراها در محلات شهری از 35 تا 70 خانوار و در ده کل جمعیت یک کمون را تشکیل می‌دهد. شورا در ناحیه و شهر، به‌ترتیب از نمایندگان کمون و ناحیه سامان می‌یابد.

5-1، کمون برای جنبش چپ مقوله‌ای ناآشنا بوده است. در بیش از دو قرن گذشته، کمونیسم در معنای آرمانی برای کمونیست‌ها مفهومی آشنا بوده است. کمونیست‌ها با هر سایه روشنی کمونیسم را جامعه پسا سرمایه با برابری اجتماعی تعریف کرده‌اند. ولی، بی‌اغراق در معنای لغوی کمونیست و کمونیسم، یعنی طرفدار کمون و کمون‌گرایی غفلت کرده‌اند. و بر این سیاق سامان دادن کمون‌ها در درون مدرنیته سرمایه‌داری را در نیافتند. آن‌ها در نهایت خواهان برپایی کمون‌های کشاورزی در پس مدرنیته سرمایه‌داری شدند – نمونه‌اش چین. جدا از کمون‌های اولیه، تاریخ کمون در مدرنیته سرمایه‌داری به کمون پاریس بر می‌گردد. به‌نظر من، اطلاق واژه کمون به آنچه در پاریس 1871 رخ داد، نارسا بوده است. ظاهرا، کمون پاریس بر این معنا شد که گویا توده‌های مردم پاریس در یک همایش فراگستر نمایندگان اداره پاریس انقلابی را انتخاب کردند. ولی، در حقیقت مکانیسم انتخاب اعضای رهبری کمون پاریس چنین نبوده است. مارکس در کتاب تحلیل جنگ داخلی فرانسه می‌گوید: اعضای رهبری کمون یا نمایندگان منتخب مردم پاریس ازسوی ساکنان شهرداری‌ها(کمون‌ها یا محلات، از من) انتخاب شدند و به‌شهرداری‌ها پاسخگو بودند. بنا براین واحد پایه‌ای آنچه در برآمد پاریس 1871 رخ داد کمون یا شهرداری بوده است. بر این پایه واژه «کمون پاریس» ساختار پیکرسازی رویداد پاریس 1871 را بیان نمی‌کند. در حقیقت، کمون پاریس، شورای پاریس متشکل از واحدهای شهرداری‌ها بوده است. آنچه برای مارکس مهم شد پیدائی مکانیسم رادیکال کمون پاریس یا شورای پاریس بود. ولی، تحول شهرداری‌های بالای سر مردم، نیابتی، یا شهرداری‌های منفعل، به‌شهرداری‌های از پائین، با شرکت مستقیم مردم شهرداری‌ها در اتخاذ تصمیم و داشتن حق

ادامه در ص 6

از تجربه کنفدرالیسم دموکراتیک ...

بازخواست منتخبین مورد توجه مارکس قرار نگرفت. به‌همان دلائلی که در بالا شرح داده شد، در اندیشه مارکس بنیاد نهادهایی در درون جامعه برای چالش دولت مدرنیته سرمایه‌داری کلید نخورد.

و قرارشد بخشی از طبقه کارگر شاغل در انقلاب کارگری مدرنیته سرمایه‌داری را به‌زیر به کشند، و دولت کارگری سامان یابد.
2-3، شورا. برخلاف کمون، شورا برای جنبش مارکسیستی مقوله‌ای آشنا بوده است. اما، شورا

به‌عنوان پدیده‌ای خودجوش در شرائط انقلابی و در درون کارگران شاغل درک گردید. البته، نه تنها همه شوراهای گذشته خصلت خودجوش نداشتند، بلکه موارد زیادی از تشکیل شورا در درون مدرنیته سرمایه‌داری، نظیر شورای سربازان و افسران دون پایه در انقلاب دموکراتیک 1648 انگلستان، سامان یابی کمیته‌های کارگران کلاید اسکاتلند در سال 1918 و شورای شهر لیورپول در اوائل دهه 1980 را برشمرد. متاسفانه، آموزش و آگاهی از خصلت شورا، به‌مثابه ارگان‌های مستقیم اداره درون و بیرون از موسسات تولیدی خدماتی، نه پیش از و نه در گرماگرم برآمد انقلابی 1357 مورد توجه چپ قرار نگرفت.

6- نیروهای حفاظت خلقی زنان و مردان در «ک د ش س.»

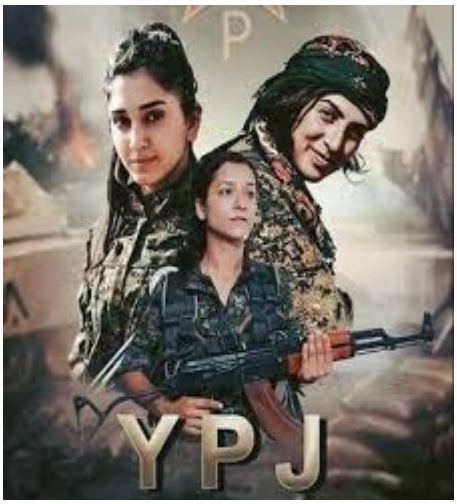

در مدرنیته‌های سرمایه‌داری ارتش نگهبان نظام سرمایه‌داری است و از دولت سرمایه‌داری تبعیت می‌کند. جامعه در مبارزه و نفی دستگاه دولت نیاز به‌سامان‌یابی نیروهای حفاظتی دارد. حزب اتحاد دموکراتیک کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه با بروز جنگ داخلی و گشایش فضای آزاد به‌موازات متشکل کردن مردم نیروهای حفاظت خلقی را سازمان دادند. برعکس، دیدگاه دولت ملت، در ک د ش س، نیروهای حفاظت خلقی مردان و زنان بر پایه آموزش نظامی و ایدئولوژیکی، اعتقاد بر دموکراسی مستقیم، حفظ محیط زیست و آزادی زنان پاسدار «ک.د.ش.س» بوده و از شوراهای سراسری فرمان می‌گیرند، و نه از این یا آن حزب.

«برنامه نفت در برابر غذا ...

در چنین روندی اگر برنامه نفت در مقابل غذا اجرا شود چه باید کرد؟ برای این که تقسیم غذا در جامعه ایران عادلانه صورت گیرد و جلو باندهای احتکار وابسته به حکومت اسلامی و اطرافیان آن‌ها گرفته شود ضرورت دارد که همه آن در اختیار دفتر سازمان ملل در تهران قرار گیرد. این دفتر موظف گردد کالاهای دریافتی را در اختیار شورایی متشکل از نمایندگان تشکل های مستقل قرار دهد. این تشکل ها عبارتند از:
*کانون نویسندگان ایران؛ *شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران؛ *سندیکای شرکت واحد رانندگان تهران و حومه؛ *سندیکای کارگران نیشکر هفتەتپه؛ *اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ *کمیته هماهنگی کارگری؛ *کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری؛ *کارگران پروژه‌های پارس جنوبی؛ *کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و بندر امام؛ *سندیکای نقاشان استان البرز؛ *تشکل‌های مستقل دانشجویی که در تمام دانشگاه‌های ایران فعالیت دارند؛ *نماینده قضات مستقل کشور؛ *نماینده پزشکان مستقل؛ *نماینده روزنامه‌نگاران مستقل؛ *نماینده هنرمندان مستقل؛ *چند نماینده مستقل به‌عنوان نماینده روستاهای کشور؛
*و هر تشکل مردمی دیگری که برای فعالیت و دخالت در این عرصه، اعلام آمادگی کند باید بتواند بدون هیچ مانعی وارد شورای هماهنگی آن شود.

همان‌طور که اشاره شد از سوی این تشکل‌ها یک نماینده انتخاب می‌شود که جمع این نمایندگان، یک شورای هماهنگی تقسیم غذا تشکیل می‌دهند و توزیع غذا در سراسر کشور، تحت نظارت آن‌ها صورت می‌گیرد. هیچ مقام و مسئول و ارگان دولتی نیز نباید حق دخالت در برنامه‌های این شورا داشته باشد.

لازم به‌تاکید است که تجربه کمک‌رسانی به‌زلزله‌زدگان کرمانشاه همراه با برنامه‌ها، پیشنهادها و انتقاداتی که از طرف مردم و سازمان‌های مدنی، چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی مطرح شد، تجربه‌ای ارزشمند در انتقال قدرت - هرچند کوتاه‌مدت و محدود- از بخش متمرکز به مردم بود.

عدم پرداخت به‌موقع دستمزدهای کارگران ادامه یافت؛ دستمزدها دستکم پنج برابر زیر فقر منعقد گردید؛ اعتراض معلمان، کارگران، کاسبان، بازنشستگان و اعتراض‌ها به‌وضعیت فلاکتبار زیست محیطی با سرکوب مواجه گردید؛ گرانی تورم و بیکاری فزونی گرفت. در چنین شرایطی، شورش و اعتراض و اعتصاب در جامعه ایران مهارشدنی نیست. پول ایران روزبه‌روز بی‌ارزش‌تر شده و در ردیف سه پول بی‌ارزش جهان قرار گرفته است. در مدت کوتاهی دستکم 50 درصد ارزش ریال در مقابل دلار پایین آمده است. بحران و فساد نهادیه شده در اقتصاد ایران و حکومت اسلامی، به‌هیچ‌وجه مانند گذشته، قابل پرده‌پوشی نیست. روزی نیست که خبر اختلاس و دزدی و فرار سرمایه‌ها از ایران توسط نهادها و عوامل حکومتی و یا رسانه‌هایشان منتشر نشود. در موج جدید تظاهرات علیه فقر، بیکاری و گرانی، معترضین در خیابان‌ها از جمله شعارهایی همچون «مرگ بر دیکتاتور»؛ «خامنه‌ای حیا کن، مملکتو رها کن»؛ «بیکاری، تورم، بلای جان مردم»؛ «توپ تانک فشفه، آخوند باید گم بشه»؛ «وای به روزی‌که مسلح شویم»؛ «مرگ بر گرانی»، «کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» و ... فریاد می‌زنند.

با توجه به همه آن‌چه گفتیم خوش خیالی خواهد بود اگر به برنامه نفت در برابر غذای ایران به چشم برنامه‌ای حاشیه‌ای و یا کوتاه‌مدت نگاه کرد. زلزله‌های شدیدی که اقتصاد ایران را در بر گرفته، بی‌تردید آمریکا بسیاری از شرکت‌های بزرگ و دولت‌های غربی و منطقه‌ای را نیز پیش از پیش به سخت‌تر کردن محاصره اقتصادی ایران تشویق خواهد کرد. از سوی دیگر، با سراسری شدن اعتراضات مردمی، حکومت اسلامی بیش از پیش به موضع دفاعی خواهد افتاد و احتمال سازش با رقبایش هم بعید نیست.
در جمع‌بندی می‌توان گفت هر چند که وضعیت آن دوره با توافق پنج به‌علاوه یک در سال 2015 تغییر کرد و تحریم‌های ایران لغو گردید و میلیاردها دلار پول بلوکه شده به ایران برگشت و صادرات نفت نیز در حد چشمگیری افزایش یافت اما هیچ تغییر محسوسی در زیست و زندگی و دستمزدها صورت نگرفت.
اکنون بحران دلار و طلا به‌بحران کالاهای ضروری مردم مانند تخم‌مرغ، مرغ، سیب‌زمینی، پیاز، دارو ...، رسیده است. در واقع آش به‌قدری شور شده است که از رهبر و رییس جمهور گرفته تا نمایندگان مجلس، قوه قضاییه و حتی رییس کل بانک مرکزی حکومت اسلامی، لباس نظامی پوشیده‌اند و سخن از تشکیل قرارگاه مبارزه با جنگ‌های نامنظم اقتصادی می‌کنند! به‌دستور رهبر «اتاق جنگ اقتصادی» تشکیل شده است. خامنه‌ای، همچنین فرمان جدیدی برای رسیدگی به پروند »مفسدان اقتصادی « به قوه قضاییه ابلاغ کرده است. در حالی که بنا به اقرار مداوم خود مقامات حکومتی، فساد اداری در ایران به‌مرحله‌ای بالا یعنی فساد نهادینه و سیستماتیک رسیده، بنابراین نهادهای نظارتی مانند قوه قضاییه، مجریه و قانون‌گذاری و بیت رهبری که خود به‌فساد آلوده هستند، چگونه می‌توانند این فساد اقتصادی و مدیریتی ایران را حل کنند.
سران حکومت اسلامی، یک روز اعلام می‌کنند که تنگه هرمز را خواهند بست و روز دیگر می‌گویند ما به حوثی‌های یمن گفتیم به‌نفتکش‌های غول پیکر عربستان حمله کنند عملا با این تهدیدهای خود، هم رقبای خود را تحریک می‌کنند و هم سیاست جنگ‌طلبی و تروریستی خود را به نمایش می‌گذارند. از سوی دیگر، آوار سقوط روزانه صادرات نفت، گسترده‌تر شدن محاصره اقتصادی و کاهش هرچه بیش‌تر درآمد ارزی ایران را بر سر مردم می‌ریزند. سرمایه‌ها با شتاب بیش‌تری از ایران خارج می‌شوند تا در جای امنی بساط استثمار خود را پهن کنند. با این شرایط چندان دور از واقعیت نخواهد بود که تصور کنیم به‌زودی حکومت اسلامی ایران، به‌طور جدی در حال معرض فروپاشی قرار گیرد و یک جنبش سیاسی - اجتماعی سراسر جامعه ایران را فراگرفته باشد.
فضای کنونی جامعه ایران، یک فضای پیشا انقلابی است بنابراین، جنبش اخیر مردم ایران، نیاز مبرمی به‌تشکل‌یابی دارد. چرا که بدون تشکل و بدون هدف مشخص، این جنبش ضربه‌پذیر است. به‌علاوه تنها سرنگونی حکومت اسلامی کافی نیست، بلکه برای تاسیس یک جامعه نوین خودگردان، باید طرح و برنامه مدون داشت و هم آمادگی لازم را برای مدیریت جامعه. هم‌اکنون ضرورت دارد هر جا امکانش است باید شوراها و مجالس مردمی را به‌وجود آورد و از جنبه نظری - عملی خود را برای دوران جدیدی از تاریخ جامعه ایران آماده کرد!

***

«برنامه نفت در برابر غذا ...

صرف‌نظر از این بحث، یکی از فسادخیزترین عرصه‌های اقتصادی در ایران، هنگامی است که پول نفت، غیر نقدی و توسط عوامل یا نهادی غیر از بانک مرکزی دریافت شود.
در آن تاریخ، تفاوت برنامه نفت در برابر غذای عراق و ایران در این است که اولی با تایید شورای امنیت سازمان ملل و به‌طور «قانونی» به این کشور اعمال شد که کویت را اشغال کرده بود. در حالی که دومی خارج از چهارچوب‌های قوانین بین‌المللی و با اعمال زور آمریکا و مستقیما توسط خود حکومت اسلامی شروع خواهد شد.
به‌عبارت دیگر، به‌صراحت می‌توان گفت که قدرت‌مندان می‌توانند هر قانون داخلی و بین‌المللی را زیر پا بگذارند و سیاست‌های خود را اعمال کنند. برای مثال، سران و مقامات خود حکومت اسلامی ایران، استاد این‌گونه نقض قانون و قانون‌های من درآوردی هستند. در واقع نه دونالد ترامپ و نه خامنه‌ای، به‌هیچ قانون داخلی و یا حقوق مدون بین‌الملل پایبند نیستند و کم‌ترین اهمیتی به آن‌ها نمی‌دهند. چرا که زور دارد با این تفاوت که زور حکومت اسلامی ایران، تنها به‌شهروندان بی‌دفاع جامعه ایران می‌رسد.
بر اساس آمارهای موجود، صادرات نفت ایران در زمان تحریم‌های سابق روزانه به حدود یک میلیون بشکه کاهش پیدا کرد و اگر ایران برجام را نپذیرفته بود، این میزان به 250 هزار بشکه در روز می‌رسید. یعنی در حالت خوشبینانه نفت در مقابل غذا.
پس از برجام، با آمدن کشورهای تراز اول نفتی مانند کشورهای کانادایی، آمریکایی و یا شرکت‌های بزرگ نفتی در اتحادیه اروپایی پس از برجام، تا حدودی جیب های سران حکومت اسلامی پر شد اما باز هم جز سیه‌روزی چیز دیگری نصیب مردم ایران نشد.
با توجه به‌این که به‌اقرار مقامات حکومت اسلامی، اکنون فناوری صنعت نفت ایران نسبت به‌کشورهای دیگر حدود 30 سال عقب است، مصداق این امر نیز کشور عراق است که در جزیره مجنون روزانه 280 هزار بشکه نفت برداشت می‌کند در حالی که ایران از این جزیره، 140 هزار بشکه در روز برداشت دارد یعنی 50 درصد کم‌تر. دلیل این مسئله، مذاکرات عراق با شرکت‌هایی است که فناوری بالاتری دارند؛ همین موضوع نشان می‌دهد که از جمله صنایع نفت ایران، به‌شدت به تکنولوژی خارجی و مدرنیزه شدن نیاز دارد.
ایران در برنامه ششم توسعه، به 130 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت نفت نیاز دارد در حالی که پس از برجام، کل شرکت‌های تابعه نفت حداکثر می‌توانستند 60 میلیارد دلار منابع داخلی را تامین کنند و برای 70 میلیارد دلار مابقی نیاز به سرمایه‌گذاری خارج از شرکت نفت دارد که بخشی عظیمی از آن، باید سرمایه‌گذاری خارجی باشد.
در شرایط موجود، آمریکا از برجام خارج شده و تحریم نفت ایران را بیش از گذشته مورد هدف قرار داده، تولید نفت ایران به شدت کاهش خواهد یافت و شاید صادرات حداکثر به 250 هزار بشکه در روز سقوط کند.
خبرگزاری رویترز روز دوشنبه 16 ژوئیه - 27 تیر، به‌سخنان استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا، درباره تحریم‌های نفتی ایران پرداخته است. وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: «ما مایلیم که خرید نفت از ایران به‌صفر برسد، اما در موارد خاص، اگر کسی نتواند به گونه‌ای سریع این سیاست را اجرا کند، استثناء قائل خواهیم شد.»
خبرگزاری رویترز اظهارات استیون منوچین را واکنشی به سخنان برخی از سیاست‌مداران دیگر آمریکا دانسته که صریح اعلام کرده بودند، در ارتباط با قطع خرید نفت از ایران هیچ استثنایی برای هیچ کشوری قائل نخواهند شد.
اکنون گرانی و تورم مانند هیولایی به‌جان مردم ایران افتاده است. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود که سه‌شنبه 9 مرداد منتشر شده، متوسط قیمت اقلام خوراکی در تیرماه سال جاری را منتشر کرد. بر این اساس نرخ خوراکی‌ها از 6/1 درصد تا 9/74 درصد نسبت به‌سال گذشته رشد داشته است. بیش‌ترین افزایش قیمت نسبت به تیرماه سال گذشته مربوط به خیار با 9/74 درصد افزایش و پس از آن موز با 3/85 درصد و تخم‌مرغ ماشینی با 5/54 درصد افزایش بوده است.
همچنین در یک سال اخیر، برنج خارجی 2/36 درصد، گوشت گوسفند 5/28 درصد و گوشت گاو یا گوساله 8/19 درصد گران‌تر شده‌اند.
این آمار در حالی منتشر شده که در یک ماهه اخیر با عمیق‌تر شدن بحران ارز در کشور کالاهای اساسی مردم باز هم گران‌تر شده‌اند. فرامرز توفیقی، رییس کمیته مزد کانون عالی شوراها، دوشنبه 8 مرداد میزان گرانی اقلام خوراکی، مسکن و ارتباطات را چنین اعلام کرد: «32 درصد قیمت لبنیات، 85 درصد قیمت گوشت قرمز، بیش از 50 درصد قیمت گوشت مرغ، بیش از صد درصد نرخ گوشت سفید ماهی، بیش از 30 درصد قیمت میوه، بیش از 140 درصد قیمت مسکن و 53 درصد هزینه ارتباطات. بدین ترتیب سبد معیشتی که حدود 2 میلیون و 700 هزار تومان در نظر گرفته شده بود، پس از گذشت حدود چهار ماه به 4 میلیون و 650 هزار تومان رسیده که نشان‌دهنده کاهش 72 درصدی قدرت خرید است.»
همزمان با اعتراض‌های خیابانی در شهرهای مختلف ایران، کشمکش جناح‌های حکومتی نیز تشدید شده است. مقام‌های قضایی حکومت اسلامی بر «برخورد شدید» با مفسدان اقتصادی و اخلالگران بازار ارز «در هر جایگاه و مقامی» تاکید می‌کنند. روزنامه کیهان که زیر نظر نماینده علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی منتشر می‌شود، اعدام مفسدان اقتصادی را چاره کار دانسته است. سخن‌گوی قوه قضاییه از دستگیری حداقل 30 تن از کارمندان بلندپایه وزارت‌خانه‌ها خبر داده است. خطیبان جمعه، نمایندگان مجلس و سیاست‌مداران در قدرت هم همه‌جا بر مبارزه با مفسدان تاکید می‌کنند. اما هیچ‌یک نمی‌گویند این فساد که مانند غده سرطانی همه پیکره «نظام» را فراگرفته، چگونه و کجا شکل گرفته است. در چنین شرایطی، خامنه‌ای، به قوه قضاییه دستور داده است دادگاه‌های مفسدوان اقتصادی را سریع‌تر و ویژه‌تر برگزار کنند. سئوال این است که قوه قضاییه هر روز حکم اعدام صادر و یا اجرا می‌کند پس اکنون این فرمان جدید خامنه‌ای چیست؟!
در چنین شرایطی، آن‌گونه که منابع رسمی گزارش کرده‌اند، از نیمه دوم سال گذشته خروج ارز از ایران شدت گرفته است. انتقال مبالغ زیاد ارز به گرجستان، تفلیس را بر آن داشت که برای دوره‌ای کوتاه‌مدت حساب و تراکنش بانکی ایرانیان را مسدود کند. رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ترکیه گفته است که تنها در چند ماه گذشته یک‌هزار ملک تجاری با میانگین قیمت 160 هزار دلار در ترکیه خریده‌اند.
حسام‌الدین آشنا مشاور امنیتی- رسانه‌ای رییس دولت هم پیش‌تر دست‌های پنهان در اربیل اقلیم کردستان عراق را مسبب بحران ارزی دانسته بود. در کنار این اظهارات واشنگتن هم اعلام کرده است که حساب بانکی هزاران «آقازاده» نظام را با موجودی 148 میلیارد دلار مسدود کرده است.
یک مقام دیگر نیز فاش کرده که همه تحرکات بازار ارز زیر نظر دو صرافی بزرگ انجام می‌شود. سخن‌گوی قوه قضاییه فاش کرده که سلطان سکه «رابط» و «عامل» بانک مرکزی در بازار ارز و سکه بوده و با درخواست حراست بانک مرکزی از محاکمه در امان مانده است. به‌عبارت دیگر، خود بانک مرکزی حکومت اسلامی در خرید و فروش ارز در بازار سیاه ایفای نقش می‌کند. بنابراین مبارزه با فساد اسم رمز رقابت جناح‌هاست و یک شوخی بیش نیست.
پیش‌تر نیز، اسفند سال گذشته، روزنامه گسترش صنعت وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت از «خرید و فروش ارز با پول ناشی از قاچاق مواد مخدر» خبر داده است. برپایه این گزارش، نقدینگی حاصل از درآمدهای نامشروع از جمله قاچاق مواد مخدر با پوشش مراکزی که گردش مالی سریع روزانه دارند، به‌شبکه بانکی نفوذ می‌کند. یکی از این مراکز فروشگاه‌های بزرگ است. نقدینگی کلان به‌تدریج به شکل واریزی‌های خرد وارد شبکه بانکی شده و تطهیر می‌شود. در روش دیگر موسسه‌های مالی که برای پذیرش و جابه‌جایی پول شرایط آسان‌تری نسبت به بانک‌ها دارند، انتخاب می‌شوند.
آیت‌الله مکارم شیرازی که خود و خانواده‌اش متهم به تجارت انحصاری و مافیایی شکر اند، از قوه قضاییه خواسته تا با «قاطعیت، شجاعت و سرعت با مفسدان اقتصادی برخورد کند» تا «جرثومه‌های فساد به سرعت برچیده» شوند.
شنبه 20 مرداد 1397، غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به انتشار اخباری درمورد «گم شدن 9 میلیارد دلار ارز دولتی 4200 تومانی» در یک خبرگزاری اصولگرا و به نقل از یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، این مسائل را نادرست دانست و چنین توجیه کرد: «آن‌چنان که در اطلاعیه اخیر بانک مرکزی هم مورد تاکید قرار گرفته، واقعیت آن است که از مجموع حدود 11 هزار میلیارد ارز دولتی که در ماه‌های اخیر تخصیص یافته، درباره تنها چیزی بیش از 2 میلیارد آن شفاف‌سازی دقیق شده و جزئیات نحوه تخصیص این میزان اعلام شده و درباره نحوه تخصیص باقی این مبلغ که همان حدود 9 میلیارد دلار باشد، به‌جزئیات اطلاع‌رسانی صورت نگرفته است.»

ادامه در ص 6

Commun: The Democratic Platform of Iranian Movements and People Journal
Editor: Bahram Rahmani - bahram.rehmani@gmail.com
Colleagues: Ghazal Aliyali, Sara Mohammadi, Ehwen Chiyako, Shahin Mohammadi, Jalal Sbzvari, Amin Gazaei, Vahid Mohammadi, Mourad Azimi, Bijan Ranjbar
15 ovt 2018, NO: 12

استمداد مادر سهیل عربی برای نجات جان فرزندش از مردم ایران و حمله به زندانیان سیاسی رجایی‌شهر

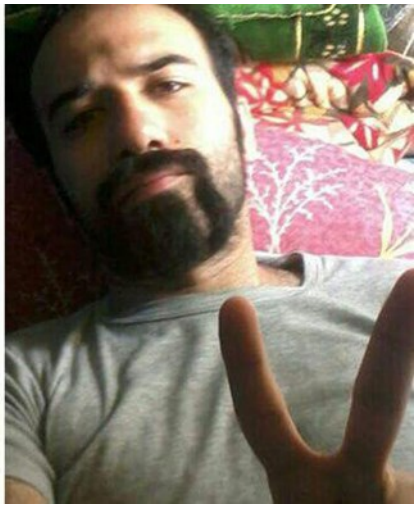

سهیل عربی زندانی سیاسی، همچنان زیر شکنجه و عدم رسیدگی پزشکی در قرنطینه زندان تهران بزرگ، در وضعیت بسیار سخت و دردناکی به سر می‌برد که بینی وی شکسته و چشمانش کبود، متورم و باد کرده است. شکنجه‌گران با لگد و باطوم بینی او را شکسته‌اند.
مسئولان و ماموران زندان، سهیل را با وجود شکستگی بینی‌اش، مانع انتقال وی به بیمارستان شده‌اند تا هر چه بیش‌تر او را شکنجه دهند.
خانم فرنگیس مظلوم؛ مادر زندانی سیاسی سهیل عربی، طی پیامی با ابراز نگرانی از انتقال و وضعیت فرزندش از زندان تهران بزرگ به محل نامعلوم؛ از مردم آزاده ایران و سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری برای نجات جان فرزندش استمداد طلبیده است.
خانم فرنگیس مظلوم، در پیام‌های متعدد خود بارها تاکید کرده است: «هر بلایی بر سر پسرم بیاید مسولیتش با زندان‌بانان و مسئولین زندان تهران بزرگ و قوه قضاییه است.»
مادر سهیل عربی، روز شنبه 6 مرداد ماه 1397 از فشار و آزار و اذیت فرزندش توسط ماموران زندان و دستگاه قضاییه خبر داد.
بنا به گزارشات، خانم فرنگیس مظلوم ضمن استمداد از مجامع حقوق بشری اعلام کرد که دستگاه قضاییه قصد دارد زندانی سیاسی سهیل عربی را از طریق خوراندن یکسری داروها به وی، تحت عنوان بیمار روانی او را به تیمارستان امین آباد منتقل کنند.
مادر سهیل عربی، از قول همبندیان سهیل گفت زندان‌بانان می‌خواهند با تزریق آمپول و خوراندن قرص کاری کنند که او روانی شود و به بیمارستان امین آباد ببرند. در آن‌جا هم ممکن است آمپول‌هایی به وی تزریق کنند که یا حافظه‌اش را از دست بدهد و یا روانی شود.
یکی از همبندیان سهیل عربی طی تماسی به خانم فرنگیس مظلوم گفت سهیل در زندان حق حرف‌زدن با کسی را ندارد و نمی‌تواند تماس بگیرد.
سهیل عربی، افکار آنارشیستی دارد و به دلیل مقاومتش، ماه‌هاست که در بند قرنطینه زندان تهران بزرگ به همراه دو زندانی قاتل در زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دارد و از ملاقات و تماس با خانواده منع شده است.
سهیل عربی 32 ساله، چهار سال پیش به دنبال نوشتن مطالبی انتقادی در یکی از شبکه‌های اجتماعی اینترنت بازداشت و به اتهام »سب النبی «با حکم بدوی اعدام مواجه شد.
پس از اعتراض وکیل وی اتهام «افساد فی‌الارض» نیز به پرونده اضافه و حکم اعدام تایید شد که با کوشش وکلای دادگستری ایران و خانواده‌اش و پذیرش درخواست اعاده دادرسی، یک شعبه دیگر دیوان عالی کشور حکم اعدام را لغو کرد و پرونده را به یکی از دادگاه‌های بدوی فرستاد که دادگاه با حذف اتهام سب‌النبی، سهیل عربی را به هفت سال و نیم حبس محکوم کرد.

سهیل عربی از 16 آبان 1392، زندانی‌ست و از مرخصی محروم است.
روز یکشنبه 7 مرداد 1397 - 29 ژوئیه 2018، اخباری در برخی از شبکه‌ها و کانال‌های مدافع حقوق بشر در رابطه با ضرب و شتم زندانیان سیاسی در زندان رجایی‌شهر، آمده است:
پنج زندانی خارجی(جمهوری آذربایجان، چچن و عراق) متهم به عضویت در داعش که از چند روز پیش از سایر زندانیان منتسب به داعش جدا کرده‌اند و به سالن زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر(سالن 10 بند 4 زندان) منتقل شده‌اند در هواخوری این بند به جمعی از زندانیان سیاسی حمله کرده‌اند.
در پی این حمله، دست راست سعید شیرزاد شکسته، مچ پای لقمان مرادی در رفته و کمر آرش صادقی جراحت برداشته و سایر زندانیان نیز آسیب دیده‌اند.

این درگیری تقریبا 15 دقیقه‌ای پس از آن آغاز شده که صالح‌اف، زندانی داعشی آذربایجانی، جسمی تیز را زیر گلوی هوشنگ رضایی گذاشته و گفته شما کافرید و ریختن خون شما مباح است.
با دخالت سایر زندانیان سیاسی برای نجات جان هوشنگ رضایی، سایر داعشی‌ها با آجر و میله به این زندانیان حمله می‌کنند که در نتیجه آن، سعید شیرزاد، لقمان مرادی و آرش صادقی به‌شدت آسیب دیده و تعدادی دیگر از زندانیان نیز مجروح شده‌اند.
با دخالت ماموران زندان، به حمله زندانیان داعشی خاتمه داده شده و زندانیان سیاسی را به داخل سلول انتقال داده شده‌اند اما از درمان مصدومان خودداری شده و شیرزاد، مرادی و صادقی بدون درمان رها شده‌اند. سعید شیرزاد به دلیلی شکستگی دست درد زیادی می‌کشد.
صالح‌اف، زندانی داعشی که آغازکننده درگیری بود، فردی قوی‌هیکل با 195 سانت قد و 150 کیلو وزن است که آموزش‌های ویژه دیده و از اعضای خطرناک داعش است. این که در زندان‌های حکومت اسلامی، زندانیان خطرناک را به جان زندانیان سیاسی بیاندازند سابقه‌ای طولانی دارد. زندانیان سیاسی بارها اعلام کرده‌اند که عامل اصلی این نوع حملات به زندانیان سیاسی توسط زندانیان خطرناک، مسئولان زندان هستند.
پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، با ابراز نگرانی از وضعیت سهیل عربی، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی و همه زندانیان سیاسی و لغو هرگونه شکنجه و اعدام است. شکی نیست که مسئولان زندان و قوه قضاییه حکومت اسلامی با بی‌توجهی به خواسته‌های بر حق و قانونی زندانیان سیاسی و عقیدتی مرگ خاموش آنان را تدارک دیده است.
بی‌تردید زمانی درد و غم جانکاه مادر فرنگیس‌ها، مادران پارک لاله و مادران خاوران‌ها تسکین خواهد یافت و مرهمی بر زخم‌هایشان خواهد شد که مردم آزاده ایران، در زندان‌ها را باز کنند و با آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، حکومت اسلامی را سرنگونی و مدیریت جامعه را به دست خویش گیرند!
بحران و فساد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تمام جامعه ایران را فراگرفته و حکومت اسلامی نیز از ترس خیزش مردمی، همواره جنایت پشت جنایت می‌آفریند تا شاید چند صباح دیگری حکومت خود را نگه دارد. در چنین شرایطی، سازمان‌دهی اعتصابات و اعتراضات سراسری و تاسیس نهادها، شوراها و مجالس مردمی، یک نیاز مبرم و یک ضرورت تاریخی و سیاسی است. تنها با مبارزه پیگیر متحد و متشکل و هدف‌مند می‌توانیم از شر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی خلاص شویم و جامعه نوین خودگردان‌مان را به‌وجود آوریم.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
چهارشنبه دهم مرداد 1397 - یکم اوت 2018

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!